

تغییرات معناشناختی کنش زیارت از منظر انسان‌شناسی تفسیری

مطالعه موردی زائران امام رضا علیه السلام

دکتر نعمت‌الله فاضلی*

زهرا اکبری**

چکیده

مفهوم زیارت در ادبیات دینی کاربرد فراوانی دارد و بیانگر نوعی رابطه میان انسان و جهان ملکوت است. در ادبیات دینی جهان نیز زیارت سابقه‌ای به درازای عمر بشر دارد و همواره در طول تاریخ برقرار بوده است.

زیارت در گذشته کنشی همگن و متوازن بوده در حالی که امروزه به کنشی ناهمگن و نامتوازن تبدیل شده است.

ما در این مقاله در صدد شناخت و فهم عناصر ناهمگن در کنش زیارت با تمرکز بر تنوع به وجود آمده در بافت زائران هستیم. به تعبیر دیگر آیا تغییرات در کنشی سنتی همچون زیارت را می‌توان در جامعه با تحولات مدرنیته فهم کرد؟

به بیان دیگر با نسبت‌یابی کنش زیارت امام رضا علیه السلام با مدرنیته و در نهایت عناصر مترتب بر آن همچون عرفی شدن در ایران معاصر، انواع زائران حرم مطهر امام رضا علیه السلام را بررسی و دسته‌بندی می‌نماییم. از این رو با صورت‌بندی انواع زائران به سنتی، مدرن و زائر گردشگر، به ویژگی‌های آنها می‌پردازیم. رویکرد روشی اتخاذ شده در این مقاله، کیفی و با تکیه بر دیدگاه‌های مردم‌نگاری است. داده‌های تحقیق نیز از منابع گوناگون همچون دل‌نوشته‌های زائران، عربزه‌ها و سفرنامه‌ها، مصاحبه‌ها، مشاهدات، خود مردم‌نگاری و دیگر منابع کمی و کیفی حاصل شده است.

واژگان کلیدی: زائر سنتی، زائر مدرن، زائر گردشگر، سنخ‌های زیارت، مدرنیته، سکولاریسم.

۱. طرح مسئله

هرچند موضوع زیارت تابع شرایط کلی و قوانین شرعی و عرفی مشخص است؛ اما از این جهت که زیارت هم به نوعی تجربه‌ای فردی است، نوعی نگاه فردیت‌گرا بر آن مترتب است. هر فرد برای زیارت، انگیزه‌ها و آمال خاص و منحصر به فردی را دنبال می‌کند، ولو اینکه این امور برچسب‌های کلی و معین دارا باشند. از سوی دیگر، بار معنوی زیارت حاکی از آن است که تأثیرات زیارت بر هر فرد نیز با دیگری متفاوت است.

جامعه ایرانی در دوران معاصر فراز و فرودهای بسیاری را در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از سر گذرانده است و در همه این تحولات مدرنیته و سکولاریسم به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تأثیر و تأثراتی داشته است. کنش زیارت نیز در این ورطه از تحولات جهان معاصر بی‌نصیب نبوده و با رویکردی مردم‌نگارانه به نیکی متوجه این مسئله می‌شویم که زیارت به مثابه امری «همگن و یک‌وجهی در جهان زیست انسان پیشامدرن»، به یک مقوله «ناهمگن و چندوجهی برای انسان و جامعه مدرن» تبدیل شده است. پس بنابراین مطالعه تغییرات کنش زیارت در ایران معاصر، از این حیث ضروری می‌نماید که فهم و ارائه پیش‌بینی‌هایی از آنچه فراروی تأثیرات مدرنیته، سکولاریسم (عرفی‌گرایی)، صنعتی شدن و کلان‌شهری شدن در پیش روی دین‌ورزی در جامعه معاصر ایران قرار داده است و خواهد داد، تعیین‌کننده بسیاری از برنامه‌های نهادهای فرهنگی، آموزشی، اجتماعی و اقتصادی خواهد بود.

از این‌رو مطالعه و ریخت‌شناسی زائران حرم امام رضا (علیه‌السلام) موضوع این مقاله قرار گرفته است، چراکه کنش زیارت به‌عنوان یکی از سنتی‌ترین و شرعی‌ترین آداب و آیین‌های متصور در زمینه و بافت مذهبی به‌شمار می‌آید. از همین بابت، تغییر رویه زائران در این بافت سنتی نمونه و شاهدهی بر تغییرات دین‌ورزی در جامعه معاصر ایران خواهد بود. بنابراین ما با مطالعه رکن اصلی این کنش یعنی زائر، در صدد فهم تغییرات دیگر و عوامل ایجاد این تغییر در کنش زیارت هستیم. در واقع، از آنجا که زیارت به مثابه مفهومی انتزاعی، بدون وجود زائر معنا و وجود خارجی نمی‌یابد، لذا برای دست یافتن به ساخت و معنای زیارت به‌عنوان کنشی ناهمگن و نامتوازن که امروزه ما شاهد آن هستیم، لازم است ابتدا تغییرات به وجود آمده در این کنش سنتی را در بستر تحولات مدرنیته فهم کنیم. به بیان دیگر مسئله نسبت‌یابی کنش زیارت امام رضا (علیه‌السلام) با مدرنیته و در نهایت عناصر مترتب بر آن همچون عرفی شدن در ایران معاصر، ما را به شناخت انواع زائران حرم مطهر امام رضا (علیه‌السلام) و مطالعه و صورت‌بندی کنشگران دخیل در این کنش کشانده است.

در این مطالعه و صورت‌بندی مسئله نخست پیش روی ما، معیار دسته‌بندی زائران است. براساس معیارهای کیفی مانند نوع فرهنگ زائران، قومیت، جنسیت، سن و... نوعی دسته‌بندی را

می‌توان متصور شد. ایرانی و غیرایرانی بودن یا شهری و روستایی بودن نیز به نوعی در ایجاد سنخ‌های مختلف زائران مؤثر است. زائران به صورت انفرادی یا خانوادگی و در گروه‌های مختلف خانم‌ها یا آقایان مجرد، کارمندا، بسیجی‌ها، دانشجویان و بسیاری تنوع‌های دیگر در مشهد مقدس حضور دارند. نوع وسیله سفر و محل و امکانات اقامتی آنها هم تنوعی گسترده دارد. با اینکه این طبقه‌بندی‌ها ما را به ذهن و زبان متفاوت هرکدام از این گروه‌ها نزدیک‌تر می‌کند و به ما این امکان را می‌دهد که بین دیدگاه‌های مختلف درباره زیارت آسان‌تر نسبت‌یابی کنیم، اما هدف اصلی این تحقیق یعنی مطالعه تغییرات کنش زیارت را برآورده نمی‌سازد. آنچه به واقع تغییرات زیارت را نشان می‌دهد نوعی گذار از زیارت سنتی به زیارت امروزی است.

نکته قابل توجه این است که هرچند در این مقاله تفاوت‌های زائران در قالب گونه‌شناسی زائر معرفی شده؛ ولی می‌توان به شباهت‌های ضمنی آنها نیز اشاره کرد. جیمز کلیفورد^۱ در مقاله «فرهنگ‌های مبتنی بر سفر» اظهار می‌دارد که جهان‌زیست‌های زائران از طریق تجربه سفر به یکدیگر پیوند می‌خورد. با تجربه کردن سفر، فرد به نوعی دور شدن از جهان‌زیست معمول خود را تجربه می‌کند و در بازگشت از سفر، تجربه جدید را به جهان پیشین خود ضمیمه می‌نماید و به قول او یک «جهان‌زیست یکپارچه و مرتبط»^۲ برای خود ایجاد می‌کند. به همین ترتیب در خلال سفر نیز زائران مختلف که به دنیاها و پیش‌زمینه‌های متفاوت تعلق دارند، می‌توانند وجه اشتراک خود یعنی زیارت را وسیله قرابت و همراهی بیشتر و ایجاد این جهان‌زیست‌های یکپارچه و مرتبط با یکدیگر قرار دهند. این دیدگاه نشان می‌دهد که زائران را باید به‌عنوان یک مجموعه منسجم بررسی نماییم و سنخ‌شناسی به معنای تفکیک جهان‌زیست‌های آنها نیست، بلکه همواره در متن زیارت یک جهان‌زیست متحد و چندرنگ قابل مشاهده است. از این‌رو در کنار توجه به‌گونه‌های مختلف زائران، از شباهت‌های موجود در دستاوردها و زمینه‌های پس‌از یارتنی زائران نباید غافل شد (کلیفورد، ۱۹۹۲، ص ۹۶-۱۱۶).

در مجموعه زائران ایرانی، سه گروه قابل شناسایی هستند که یکی در منتهی‌الیه شیوه سنتی برای زیارت قرار دارد و دیگری متأثر از جریان غالب مدرنیته در ایران معاصر به دنبال دین شخصی‌شده و فضای معنوی مطابق با استانداردها و تفسیر خاص از منظر خود می‌گردد؛ اما گروه دیگری از زائران هم در ایران امروز قابل بررسی است که بسیار پرتعداد و متمایز هستند. این زائران، هم شاخصه‌های قشر سنتی را دارا هستند و هم از مؤلفه‌های مدرنیته بی‌بهره نمانده‌اند. این گروه به گردشگری اقبال فراوان نشان می‌دهند و در کنار زیارت، هدف‌هایی مدرن مانند تفریح، گذراندن تعطیلات، خرید و امثال آن را هم دنبال می‌کند. آنها در عین حالی که همانند زائران سنتی در

1. Clifford

2. Interconnected Cosmopolitanism

مناسبت‌ها و مراسم آیینی حرم مطهر شرکت می‌کنند، هم‌زمان عکس و فیلم حضور خود را نیز در رسانه‌های اجتماعی و فضای مجازی به اشتراک می‌گذارند.

زائران مختلف حاجت‌های مختلفی دارند و عرض این حاجت‌ها به شیوه‌های مختلف مانند بیان شفاهی و حضوری یا درد دل در سکوت و از راه دور و نزدیک انجام می‌شود. بعضی زائران با لمس ضریح، درب‌ها و دیوارهای حرم عرض حاجت می‌کنند و برخی دیگر حاجت خود را نوشته و به ضریح می‌اندازند. از سال ۱۳۸۷ در بخش «نامه به امام رضا (علیه السلام)» در جشنواره بین‌المللی رضوی، مجموعه‌ای از خاطرات، سفرنامه‌ها و نامه‌های زائران منتشر می‌شود که در کنار مصاحبه‌های مستقیم، بخشی دیگر از منبع داده‌های ما در این تحقیق بوده است. منبع دیگر ما خودمردم‌نگاری محقق می‌باشد. براساس مطالعه مردم‌نگارانه ما در این تحقیق، سه زائر قابل تعریف و شناسایی هستند:

۱. زائر سنتی که بر مدار باورهای منتقل شده از منابع سنتی یا دینی (متون دینی، روحانیت، نسل‌های گذشته، و...) به زیارت می‌رود؛
۲. زائر مدرن که از فضای ذهنی و زبانی انسان عصر مدرنیته برخوردار است و در جستجوی لحظاتی سکون و آرامش به خلوتگاه زیارتش در مشهد می‌رود؛
۳. زائر امروزی یا زائر گردشگر که همانند یک گردشگر مدرن در کنار زیارت از تمامی امکانات و تفریحات نیز استفاده می‌کند.

۲. روش تحقیق

رویکرد روشی اتخاذ شده در این مقاله، کیفی و با تکیه بر دیدگاه‌های مردم‌نگاری است. داده‌های تحقیق نیز از منابع گوناگون همچون دل‌نوشته‌های زائران، عریضه‌ها و سفرنامه‌ها، مصاحبه‌ها، خودمردم‌نگاری و دیگر منابع کمی و کیفی حاصل شده است.

در خصوص روش این مطالعه نکته قابل توجه این است که ما از مشاهده و مصاحبه تنها به‌عنوان یک متدولوژی و ابزاری برای فهم مردم‌نگاری بهره گرفته‌ایم و آنچه که به‌عنوان مردم‌نگاری مدنظر است شامل این دو روش به‌طور خاص نمی‌شود.

ارزش واقعی این مطالعه از حیث روش این نیست که تک‌تک زائران را به نحو مجزا مطالعه کرده باشد، بلکه ارزش واقعی این اثر در این است که به شناخت بافت کلی ذهنی زائران نزدیک شده است. فهم رویه^۱ که در میان زائران جریان دارد از اولویت‌های این پژوهش بوده است.

1. Cognition in Practice

البته این به معنای انکار فردیت و عاملیت افراد نیست. فردیت و ارزش‌های فردگرایانه در مقابل آنچه در گذشته از زائران فهم می‌شده قابل توجه است. فردیت حالت و موقعیتی است که توجه به من شخص بیش از رویه‌های جمعی است. ویژگی‌ای که در زائران مدرن بیش از سایر زائران یعنی زائر سنتی و زائر گردشگر می‌توان مشاهده کرد و این خود گواه بر وجود تفاوت دیدگاه میان طیف‌های زائران دارد. ما در روش مطالعه تلاش کرده‌ایم به سبک و شکل زندگی زائران^۱ نزدیک شویم و این فرم و شکل از زندگی را در قالب کلی آنها فهم کنیم و در نهایت به سنخ‌شناسی از زائران برسیم.

بنابراین رویکرد روشی اتخاذ شده پدیدارشناسی و انسان‌شناسی تفسیری است. رویکردی که از طریق آشنایی زدایی^۲ داده‌های به دست آمده تجزیه، تحلیل و طبقه‌بندی می‌شود و از میان داده‌ها گزینش و تنها مواردی را که در راستای سؤال پژوهش است برمی‌گزینیم.

اهمیت آثاری که با شیوه پدیدارشناسانه تدوین شده در شناختی است که از رویه^۳ کنشگر حاصل می‌شود و البته این شناخت در مصاحبه قابل ردیابی نیست؛ اشتباه رایجی که در آثار اتنوگرافانه قابل مشاهده است. به واقع شناخت رویه‌ها و زیست این رویه‌ها اتنوگرافی است. تجربه این رویه‌ها هیچ‌گاه فردی و شخصی نبوده و تجربه زیسته که ديلتای^۴ در «مقدمه‌ای بر علوم انسانی» (۱۸۸۳) طرح کرده بیانگر این است که بسیاری از تجربه‌های شخصی^۵ ما و محتوای باورها و ذهن‌های ما فردی نیستند، بلکه جمعی‌اند. اینها طرح‌هایی هستند که در فرایند خردکردن و مطالعه می‌توانیم آنها را دریابیم. کنشی که در وجود کنشگر حک شده است گویی در حقیقت، فرهنگ در ذهن^۶ او شکل یافته است (دیلتای، ۱۳۹۱، ص ۳۱۰). این رویه مفهومی است که در ذهن زائر ناخودآگاه شکل گرفته است و آنچه که ما در انسان‌شناسی دنبال آن هستیم این است که هر چیزی را بیان می‌کنیم بتوانیم بگوییم که زاده ذهن تک‌تک زائران نیست، بلکه بافت معنایی مشترک زائران را تحت عنوان دین زیسته که گیرتر^۷ نیز بیان کرده است فهم کرده‌ایم. دیلتای بر آن بود که رفتار، گفتار و مکتوبات آدمیان همه حاکی از حیات ذهنی و درونی آنهاست و علوم انسانی باید به دنبال راهیابی به حیات درونی صاحبان این افعال و آثار باشد. بدین ترتیب، دیلتای پرسش از فهم متون را به پرسش از فهم تجلیات و بیان‌های بشری تغییر داد (بلاشیر،^۸ ۱۳۸۰، ص ۲۳).

عینیت‌یافتگی از حقیقت آنچه که در زیارت جاری است و ما سعی در به تصویر کشیدنش داریم به نوعی از دیلتای و مفهوم عینیت‌یافتگی که در ذهن اوست اقتباس شده است. عینیت‌یافتگی دیلتای تنها از متون و آثار هنری نیست، بلکه هر چیزی است که در آن روح یا ذهن انسان خود را متجلی سازد،

1. Mode of Life

3. Congnition in Practice

5. Personal experines

7. Gyrtex

2. Defamilization

4. Dilta

6. culture in mind

8. Belysher

اعم از اندیشه، زبان، قانون و نهادهای سیاسی، نهادهای دین و اقتصاد و فرهنگ. فهمیدن همه اینها مستلزم این است که انسان هرکدام از آنها را در افق و زمینه خاص خودش قرار دهد و به عبارت دیگر، تجربه مؤلف آنها را بازآفرینی و بازسازی نماید (فروند،^۱ ۱۳۷۲، ص ۷۱) امکانی که در شیوه مطالعه با رویکرد انسان‌شناسانه قابل دستیابی است. حضور و بازآفرینی کنش از منظر شخص مؤلف در قالب اتونوگرافی اتفاق می‌افتد که این خود به غنای پژوهش می‌افزاید. ما در این مقاله نیز گاه به‌عنوان انسان‌شناس با کنش زیارت مواجه شدیم و گاه به‌عنوان زائر و فردی که در زمینه و بستر مذهبی رشد یافته است به زیارت نگریسته‌ایم که ذکر خودنگاشت‌ها در ذیل خواهد آمد.

۲-۱. زائر سنتی

ردپای زائر سنتی را در متون ادبی، خاطرات نسل گذشته، آلبوم‌های خانوادگی و عکس‌های پرده‌ای مجاور حرم می‌توان یافت. هنوز هم روستائینی هستند که پس از فصل برداشت محصول و تأمین هزینه سفر زیارتی به مشهد سفر می‌کنند. عده‌ای از پدران و مادران یا پدربزرگ‌ها و مادر بزرگ‌های ما نیز به همان روش سنتی به مشهد مشرف می‌شوند؛ قصد ده روزه می‌کنند تا نمازشان را کامل ادا کنند و احياناً در ماه رمضان روزه بگیرند؛ سوغات از کنار حرم تهیه می‌کنند و مقید به سوغات متبرک هستند؛ به صورت دسته‌جمعی سفر می‌کنند و روحیه سفرهای کاروانی قدیم را کماکان حفظ کرده‌اند؛ از همه مهم‌تر اینکه مؤمنانه به معجزه و شفا ایمان دارند و برای درمان بیماری‌های لاعلاج «پنجره فولاد» را آخرین مطب و درمانگاه به شمار می‌آورند. برای این زائران بهترین مکان برای پیوند ازدواج، عقیقه فرزند، ماه غسل، و مهم‌تر از همه محل دفن و سرای ابدی حرم مطهر امام رضا (علیه‌السلام) است. این ویژگی‌ها وجه مشترک زائرانی است که ما آنها را در اینجا با برجسب «سنتی» از دیگر زائران جدا کرده‌ایم. این زائران لزوماً از نسل گذشته نیستند؛ چه بسا نوجوان یا جوانی را نیز ببینیم که ویژگی‌های زائر سنتی را داراست.

در یکی از مشاهدات خود، پس از نماز مغرب سه پسر جوان دبیرستانی را در صحن انقلاب روبه‌روی ایوان طلا دیدم که با دوستان و همکلاسی‌های خود و با قطار به زیارت آمده بودند. محل اقامتشان یک حسینیه بود که حدود پنجاه نفر در یک سالن اقامت داشتند. سکوت و قرار آنها نشان از آرامشی داشت که در حرم یافته بودند. می‌گفتند در طول سال به کرات به مشهد سفر می‌کنند و بهترین تفریح و سفر برای آنها زیارت مشهد است. درباره زیارت همراه با سیاحت معتقد بودند که مشهد ابزار و امکانات خوبی برای تفریح کردن دارد؛ اما آنها ترجیح می‌دهند بیشترین زمان ممکن را در حرم و به زیارت بگذرانند.

1. Ferund

یکی دیگر از افرادی که خواهش من را برای مصاحبه پذیرفتند زن و شوهری مسن و اهل رشت بودند. پسر و نوروستان برای ماه غسل به زیارت آمده بودند و این دو نیز همراهان این زوج جوان محسوب می‌شدند. این آقا و خانم هم بیش از چهل سال قبل برای ماه غسل به مشهد آمده بودند و به یاد آن سال‌ها لبخندی شیرین بر لبانشان می‌نشانند. وقتی از حال و هوای آن روزهای حرم پرسیدم گفتند صحن اسماعیل طلا مکانی برای بیتوته زائران بوده و خانواده‌ها که عموماً گروهی و به همراه پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها به زیارت می‌آمدند در کنار صحن در گوشه‌ای چادر می‌بستند و روبه‌روی گنبد طلا چند روزی را اقامت می‌کردند. معمولاً این مسافران که از روستاها می‌آمدند سفرشان را بعد از فصل برداشت محصول در اوایل پاییز ترتیب می‌دادند و برای اقامت «قصده روز» می‌کردند تا نمازهایشان را کامل به جا آوردند.

تجربه و خاطرات زائران مسن‌تر از آداب و رسوم گذشته برای من مانند بازشدن دریچه‌ای تازه به سوی نادیده‌های زیارت امام رضا (علیه السلام) بود. تک‌تک این تجارب که از نسل قبل به دست ما می‌رسد، در حافظه دینی و تاریخی ما نقش بسته است.

در جای‌جای حرم این زائران را می‌بینی که چشم به گنبد طلا دوخته‌اند و حاجات مختلفی را از امام خود می‌طلبند و برای آن نذرها می‌کنند. از دخترک کوچکی که در کنار مادرش نشسته و منتهای آرزویش یک عروسک زیباست، تا دردمندی که شفای بیمار لاعلاج خود را از امام رضا (علیه السلام) تمنا می‌کند، طیف وسیع حاجتمندان را در این خیل عظیم زائران تشکیل می‌دهد. وجود این تنوع در سنخ‌های مختلف زائران و حاجت‌هایشان گواه بر این است که مقوله زیارت و توسل به بزرگان دین، مفهومی انضمامی به ذهن و سبک زندگی ایرانی نبوده و نیست؛ بلکه در حقیقت در ناخودآگاه آنها نهادینه شده است.

«وقتی در حرم مقدستان مشغول زیارت بودیم به یاد مادر بزرگ مریضم افتادم که دوستش دارم، برای شفای او و همه بیماران اسلام دعا کردم و از شما سلامتی همه بیماران را طلب کردم... خلاصه، بعد از کلی راز و نیاز و دعا برای حاجتمندان، و همچنین برای خودم در لحظات تحویل سال، دیگر بار پارچه سبزی را به مشبک‌های پنجره پولاد گره زده و از آقا ملتمسانه مدد خواستم و در انتها چون دفعات پیش برای بهبودی حال دخترم نذرم را ادا کردم و به شهرستان برگشتم» (گهرسودی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۳۱).

تقاضای شفای بیماران یکی از اولین و بیشترین حاجات زائران است. این باور که توسل به ائمه (علیهم السلام) برای شفای بیماران و نوشیدن آب یا غذای حضرتی در جوار حرم آنها یا خوردن اندکی از تربت امام حسین (علیه السلام) موجب شفای بیماران می‌شود، یکی از قوی‌ترین باورهای زائران است. شاید

این آخرین راه برای زائرنی باشد که تنها روزنه امیدشان حرم رضوی است که با دردمندی و استیصال به آن روی می آورند.

نیازهای دنیایی زائران و طلب شفا، ازدواج، خانه دار شدن و مسائلی از این دست گواه بر پیوند وثیق این کنش با زیست جاری زائران دارد. سایمون کولمن^۱ در کتاب «صورت بندی جدید از زیارت» بیان می دارد که زائران پروتستان در عین حالی که سفر خود را تجربه ای خاص می دانند، همپوشانی های رفتاری و الیهاتی آن را با زندگی روزمره خود نیز درک می کنند (کولمن، ۲۰۰۴، ص ۱۳۷).

در رواق دارالحججه با تازه عروس و تازه دامادی از شهر قزوین آشنا شدم که برای ماه عسل به مشهد آمده بودند. البته پدر و مادرهای هر دو هم همراهشان بودند. وقتی از ایشان دلیل انتخاب مشهد را برای سفر ماه عسلشان پرسیدم عروس خانم پاسخی جالب داد:

«چندی پیش فرزند کوچک برادرم به سرطان دچار شد. چندین ماه او را تحت درمان قرار دادیم؛ اما هر روز بدتر می شد؛ تا اینکه تصمیم گرفتند به امام رضا (علیه السلام) متوسل بشوند. برادرم و همسر و فرزندش با هم به مشهد آمدند و به پنجره فولاد دخیل بستند. همان شب شفا گرفت و کاملاً بیماری او برطرف شد! به قدری این واقعه برای من و همسر که در آن مدت نامزد بودیم تکان دهنده بود که تصمیم گرفتیم برای ماه عسل و نیز تشکر از آقا به مشهد بیاییم. پدر و مادرهایمان هم برای تشکر از امام گفتند ما را همراهی می کنند. الان هر شش نفر در هتل اقامت داریم و سه روز دیگر هم به قزوین برمی گردیم».

از میان عریضه های داخل ضریح، نامه هایی از زائران غیرایرانی و نیز بعضی از کودکان در اختیار ما قرار گرفت. یکی از این عریضه ها متعلق به زائری از کشور ترکیه است که با خط تحریری متصل به هم و به شیوه ای بسیار زیبا در آغاز با یک تحمیدیه با خدای خود به مناجات پرداخته و سپس خواسته های معنوی خود را بیان کرده است. پس از آن دعاها و شخصی خود از قبیل سلامتی و سعادت و عاقبت به خیری را بیان کرده که معمولاً جزء دعاها و رایج و عمومی اغلب زائران است. خدا را برای بخشایش گناهانش و زیاد شدن علم و دانشش قسم داده است. سلامتی و طول عمر والدینش را درخواست کرده و از خدا آنچه را که مقدر است طلب کرده است. در انتهای نامه اش هم به امام رضا (علیه السلام) اشاره کرده و عرض ارادت نموده است. از سراسر این نامه می توان این گونه فهمید که نگرش زائر بیانگر ارتباط مستقیم و بی واسطه با خداوند است و امام (علیه السلام) برای او تنها نقش یک شخصیت بسیار محترم را دارد نه وسیله شفاعت و توسل. این دیدگاه معمولاً در میان زائران ایرانی کمتر دیده می شود، چراکه در فرهنگ تشیع ایرانی ائمه (علیهم السلام) از جایگاهی بسیار بالا

1. Coleman

برخوردارند و شفیع شیعیان برای برآورده شدن حوایج به شمار می‌آیند. توسل مستقیم به امام رضا (علیه السلام) و حتی بیان ماجرای «ضامن آهو» برای شیعیان ایران و نیز عراق، امری بسیار رایج است. عریضه دیگر از زائری عرب‌زبان توسل و شفیع قرار دادن امام (علیه السلام) را نشان می‌دهد که با ارادت ویژه نسبت به ایشان نوشته شده است.

«این نامه خطاب به سرور و آقایم شمس الشمس حضرت ابالحسن امام رضا ضامن آهو است. آقایم اینک بعد از چهار سال خدمت می‌رسم و سبب این تأخیر، گناهان من است. آقا جان من به خویشتن واقفم و از خدای متعال و سپس تو امام پاک طلب بخشش می‌کنم. آرزوی روزی پاک دارم و تو را به حق فرزندت امام جواد (علیه السلام) قسم می‌دهم و به حق عمویت عباس ... امید آنکه فرزندی روزی‌ام کنی و از درگاہت محرومم مسازی».

مفهوم نایب‌الزیاره در ادبیات زائران دو مفهوم دارد. مفهوم نخست اصطلاحی است که به صورت تعارفات معمولی در فرهنگ ایرانی رد و بدل می‌شود و در واقع نوعی اعتبار بخشیدن به عملی است که فرد قصد انجامش را دارد. معنای دوم «نایب‌الزیاره» برای زائر سنتی معنایی واقعی دارد. او به نیابت از دیگران واقعاً زیارت انجام می‌دهد و یا دست‌کم از آنها در هنگام زیارت یاد می‌کند. زائر سنتی باور دارد که نیابت برای زیارت دقیقاً به مانند زیارت خود شخص است و آن را کاملاً جدی می‌گیرد.

«قبل رفتن به نیابت از همه این فرشته‌ها ابتدا نیت کردم، بعد بهترین لباس‌ها رو پوشیدم ... وقتی وارد حرم شدم ... زائری کوچک بودم. نایب‌الزیاره بار اولی‌ها ... بغض شکست. انگار اولین بار بود گنبد طلائی، سقاخانه و حتی کبوترهای حرم رو می‌دیدم. ... گوشه‌ای از صحن انقلاب نشستیم و من با حالی عجیب شروع کردم به خواندن زیارت‌نامه. ... اون لحظات، نمی‌دونم خودم بودم یا دیگری؛ لحظه‌ای حس می‌کردم آمنه‌ام و لحظه‌ای زهرای نامعلوم و لحظه‌ای فرشته‌ای دیگه ... آقاجون من امروز خوشبخت‌ترین نوجوان دنیا شدم ... نوجوانی که از قلک دل و جانش با بضاعت اندک نایب‌الزیاره شدن، خریدار گنج رضایت امام زمانش شد» (گهرسودی و ادیب، ۱۳۹۳، ص ۲۱).

یکی از دل‌نوشته‌ها حکایت از معلمی دارد که نامه یکی از شاگردانش برای امام رضا (علیه السلام) را با خود نیاورده؛ ولی ایمان دارد که نامه خوانده نشده و در راه مانده نیز از نگاه امام دور نمی‌ماند. این عمق باور یک زائر سنتی است که به حقیقت ایمان دارد امام (علیه السلام) ناظر و حاضر است و تمامی دعاها و نذرهایی که از راه دور و نزدیک و در پی لحظه‌ای اتصال و تجربه معنوی انجام می‌شود، مستجاب خواهند شد. خلوص موجود در این نامه گواه بر این است که حقیقت زیارت برای زائر لحظاتی ناب را ایجاد می‌کند که وجه تمایز زائر سنتی با زائر گردشگر و زائر امروزی است.

«آرام به آقا گفتیم: «یا امام رئوف، می‌دانم که قاصد خوبی نبوده‌ام که لایق رساندن نامه دختری

روستایی باشم که با هزاران امید و آرزو برایت چند سطری نگاشته، نمی‌دانم توی نامه‌اش از چه چیز برایت گفته و یا گلایه کرده، اما تو را به جان جوادت قسم می‌دهم با کرم و بزرگواری ات جواب نامه نیامده را بدهی که موقع برگشت شاهد شرمندگی من معلم نباشی. آقا جان، نذار دست خالی برگردم. خودم هم می‌دانم برف و بستن جاده بهانه است، اگر بخواهی نامه نرسیده را هم جواب می‌دهی» (همان، ص ۱۶).

به جا آوردن آداب زیارت (تا حد ممکن) برای زائر سنتی مسئله‌ای بسیار جدی است. این آداب شامل مراحل مختلف زیارت براساس روایات وارده در کتب ادعیه و زیارت است. زائر سنتی در صورت امکان غسل زیارت می‌کند، اذن دخول می‌خواند، در صورت امکان مطابق ترتیب مذکور در روایات در پایین پا و بالای سر زیارت‌نامه می‌خواند و نماز بالای سر را فراموش نمی‌کند. البته گاهی نیز این زائران را می‌بینیم که به دلیل شلوغی حرم از مکان‌های توصیه شده برای خواندن زیارت صرف نظر می‌کنند؛ ولی ادعیه وارده را کامل می‌خوانند.

نکته‌ای که باید کاملاً مدنظر داشت این است که سنتی بودن زائر به معنای تحجر یا قدیمی فکر کردن او نیست. زائر سنتی از فناوری‌های روز یا از جریان زندگی مدرن دور نیست و چه بسا زائری که در دسته‌بندی ما سنتی باشد و در عین حال در زندگی عادی خود بسیار هم مدرن و امروزی زندگی کند. به عبارت دیگر اینکه یک زائر سنتی باشد، با متجدد بودن و مدرن زندگی کردن او در جهان زیست خارج از فضای زیارت هیچ تعارضی ندارد. بسیاری از زائران سنتی از اپلیکیشن‌های ادعیه بر روی گوشی‌های هوشمند خود زیارت‌نامه می‌خوانند و گاهی نیز از راه دور نایب‌الزبیرا دوستان و آشنایان می‌شوند.

«از فاصله‌ای مناسب به آقا سلام کردم و احترام گذاشتم و یکی‌یکی به دوستان و آشنایان زنگ زدم و گوشی را به سمت ضریح می‌گرفتم ... دوست داشتم حالا که من از گرمای وجود آقا بهره‌مند شدم، دیگران هم ذره‌ای آن را حس کنند» (گهرسودی و نوروزی، ۱۳۹۳، ص ۶۷).

در حرم مطهر امام رضا علیه السلام فضاها و عناصری هست که برای زائران سنتی دارای معانی خاص هستند. گنبد و ضریح عناصر کلیدی در زیارت هستند. از گذشته تا به حال، زمانی که زائران و کاروان‌ها به مشهد می‌رسند و گنبد طلایی از دور پدیدار می‌شود، همه به امام علیه السلام سلام می‌دهند. در گفتگویی که با گروه زائران پیاده «عشاق الرضا» داشتم دیدم که این گروه با رده سنی بیست تا هفتاد و هشت سال، مسیری حدوداً سیصد کیلومتری را از روستایی در مرز استان سمنان و خراسان رضوی تا مشهد طی یک هفته پیاده می‌آیند. به گفته سرگروه آنها «لحظه‌ای که در روز آخر به تپه سلام در نزدیکی مشهد می‌رسیم و برای اولین بار درخشش گنبد طلایی آقا از دور چشمانمان را روشن می‌کند، اجر زیارت‌مان را می‌گیریم ...»

ضریح نیز حکایتی مشابه گنبد طلایی حرم دارد. گاهی بعضی درگاه جلوی ضریح را می‌بوسند و یا در مقابل آن تعظیم می‌کنند و بالاخره هر کس به شیوه‌ای ابراز محبت و ادای احترام می‌کند؛ اما به جز گنبد و ضریح، نقاط دیگری از حرم مطهر هم همان حس نوستالژی و حرمت با قدمت را برای زائران سنتی دارند که ایوان طلای صحن عتیق (انقلاب)، سقاخانه اسماعیل طلایی (در صحن انقلاب)، پنجره فولاد (در صحن انقلاب) و مسجد گوهرشاد از آن جمله‌اند.

«ما پدر را به صد امید به تو و حرمت بدرقه کردیم. او آمد و با زور و بدبختی‌های فراوانی به پنجره فولاد بسته شد؛ اما شفا نیامد، دوا نیامد، ما منتظر بودیم تا بابا بیاید. بابا آمد؛ اما همان‌گونه که بود و این یعنی که پنجره فولاد تو هم جواب نداد. چراکه حکمت کار خداست پدر من مریض باشد و او مریض است» (نجوای دل، ۱۳۸۸، ص ۱۱۳).

«اومدیم مشهد، مادرم یه طناب بست به دستم و یه طناب هم بست به پنجره فولاد. گفت: «همین جا بشین تکون نخور. با امام رضا همه حرفاتو بزن تا من برم برگردم ... اولش با خودم گفتم که مگه امام رضا بیکاره یا توی این جمعیت من به چشمش می‌آم که حرفای منو گوش بده. تازه با این لکنت زبون که من دارم امام رضا مگه حوصله می‌ذاره حرفای منو گوش بده. اما بعدش نمی‌دونم چی شد که سر درد دلم باز شد. اولش خیلی سخت بود. همه نگام می‌کردن و هی یه جوروی به هم نشونم می‌دادن که وای نگاه کن چطور حرف می‌زنه، چه حال زاری داره ولی هنوز نیم ساعت نگذشته بود که متوجه شدم زبونم باز شده ...» (نجوای دل، ۱۳۹۱، ص ۱۶۵).

تلاش زائران برای رسیدن به ضریح و زیارت از نزدیک یکی از پدیده‌های جالب توجه است. عده‌ای نسبت به آن واکنش منفی نشان می‌دهند و برخی نیز معتقدند بدون لمس ضریح در واقع زیارت نکرده‌اند. هیبت خاص خانم‌هایی که گویی برای رزم آماده می‌شوند و چادرهایشان را به پشت سر گره می‌زنند و با فشار و هیجان بسیار به سمت ضریح می‌روند یا آقایانی که خود را بر روی جمعیت پرت می‌کنند، شاید به نوعی تخلیه روحی و روانی زائر باشد؛ گویی تمامی خشم و هیجان او را تمام می‌کند و پس از بازگشت، آرام گرفته و در گوشه‌ای در سکوت فرو می‌رود.

«با کلی سعی و تقلا با فرستادن صلوات جلو رفتم و خودم را به ضریح مقدس امام رضا (علیه‌السلام) رساندم ... جمعیت، خیلی به هم فشار می‌آورد. نفسم داشت بند می‌آمد اما ضریح را محکم گرفتم، چون با هزار بدبختی دستم به ضریح رسیده بود و بعد از چند دقیقه دستم ول شد و با فشار جمعیت به ضریح چسبیدم. بغض، گلویم را گرفته بود؛ حس غریبی داشتم ... بعد از زیارت، از میان سیل جمعیت بیرون آمدم و گوشه‌ای خالی پیدا کردم و چند رکعت نماز خواندم» (گهرسودی و ادیب، ۱۳۹۳، ص ۱۳۲).

هیجان و تقلایی که زائران در پی لمس ضریح حس می‌کنند با بغض و گریه همراه می‌شود.

زائران محتاج و دردمند برای رسیدن به ضریح با تمام قوا تلاش می‌کنند؛ جسم خود را تحت فشار قرار می‌دهند و به نوعی «آیین قربانی کردن» و یا شکلی از «از خود گذشتن» را تجربه می‌کنند. این تفکر را در ناخودآگاه زائران و در اعمال آنها می‌توان مشاهده کرد که هر چه در مسیر زیارت و وصال درد و سختی متحمل شوی مقرب‌تر خواهی بود. چهره‌های زائران در مسیر بازگشت از لمس ضریح آرامش توأم با هیجان را نشان می‌دهد و تمامی دردها را رها کرده، در گوشه‌ای می‌نشینند و سکون و قرار می‌یابند. فهم این هیجان جز با شور و احساس معنوی قابل درک نیست. این تنها و مهم‌ترین ادبیات قابل فهم در دوره‌های مختلف تاریخی بوده است و خواهد بود.

البته به دلیل اینکه در گذشته تعداد زائران بسیار کمتر از زمان حال بوده است طبیعتاً در آن زمان شاهد چنین ازدحام و پدیده‌ای نبوده‌ایم. از این‌رو می‌توان گفت این ویژگی زائران سنتی در واقع اقتضای شرایط کنونی است و هرچند در گذشته وجود نداشته؛ اما به صورت بالقوه تا امروز پابرجاست و در شرایط کنونی به صورت بالفعل درآمده است. این تلاش وافر و عزم شدید زائران سنتی برای لمس ضریح مبارک ریشه در باور عمیق آنها به اتصال با منبع فیض دارد. البته منظور این نیست که همه زائران سنتی معتقد به این باور و این نوع عملکرد هستند؛ بلکه به نظر می‌رسد این دسته از زائران را می‌توان در گروه زائران سنتی دسته‌بندی کرد.

در کل زائر سنتی را با التزام به انجام زیارت کامل می‌توان شناسایی کرد که البته این تعبیر خود مفهومی نسبی دارد. برخی زیارت کامل را عمل به بندبند نوشته‌های کتب ادعیه می‌دانند و بعضی نیز به اجرای آنها در حد توان بسنده می‌کنند. این زائران نسبت به اماکن مرتبط با حرم حسنی هم‌ذات‌پندارانه و عمیق دارند و در مورد معجزات و نظر مخصوص امام رضا علیه السلام نسبت به زائرانش اعتقادی عمیق دارند.

۲-۲. زائر پشامدرن

در گذشته به جهت عدم دسترسی به اطلاعات، پرسشگری و میل به احتجاج نسبت به مقولات دینی کمتر بود. زائران دنیای مدرن می‌توانند با وجود میل به محدود کردن دین به حیطه فردی و خصوصی، تجربه معنوی زیارت را نیز در برنامه سالیانه‌شان (گاه به کرات) داشته باشند؛ شاید بتوان گفت همه این احتجاج‌ها و «اما و اگرها» تبدیل به یک مشی جدید در سبک دین‌ورزی زائران شده است. زائر مدرن نمونه انسان سرگشته عصر مدرنیته است که در کشاکش میل به معنویت‌خواهی فطری، گریزی از ابتلائات این دوران ندارد.

در دوران پیشامدرنیته، فهم دینی انسان‌ها یا در پای منابع حاصل می‌شد و یا محدود به تعالیم مکتبی و تربیتی بود که از خانواده‌ها به آنها انتقال می‌یافت و از این‌رو سرگشتگی‌های انسان به حد امروز نبود.

زیگموند بومن^۱ درباره زیارت در دنیای مدرن به این نکته اشاره می‌کند که «زیارت کنشی است که فرد براساس نیاز انجام می‌دهد تا از گم شدن خود در برهوت جلوگیری کند؛ طی مسیر به‌عنوان زائر به‌گونه‌ای است که فرد می‌تواند فعلی بیش از قدم زدن انجام دهد. فرد می‌تواند نگاهی به پشت سر انداخته و رد پاهای برجای مانده بر شن را به‌عنوان یک راه ببیند. انسان می‌تواند در راه گذشته خود تأمل کند و آن را به‌عنوان یک فرایند رو به جلو یا یک پیشرفت در مسیر نزدیک‌تر شدن ببیند. انسان می‌تواند بین «عقب» و «جلو» تمایزی ایجاد نماید و «راه پیش‌رو» را همچون توالی ردپاها طراحی کند؛ هرچند این سرزمین بدون شاخصه ناهموار می‌باشد» (هال،^۲ ۱۹۹۶، ص ۲۲). این دیدگاه بومن^۳ که برگرفته از معنای «زیارت با پای پیاده»^۴ در مسیحیت است، در سنت اسلامی و در تمامی ادیان نیز قابل تعمیم است. چراکه مصائب انسان عصر مدرن در هر جایی از دنیا به شکل خاص بروز کرده است. بنابراین زیارت به‌عنوان کنشی مشترک که اقبال بسیاری بدان شده است بسیاری از خلأهای دنیای مدرن را پر کرده است. زائر در هر جای دنیا با هر کیشی که باشد با زیارت مخلصانه سعی می‌کند از گذشته گناه‌آلود خود عبور کرده و با پاکیزه شدن به آینده قدم بگذارد.

زائر مدرن انسانی است با تناقض‌ها و سؤالات و گاه ایدئولوژی‌های متنوع و شاید معارض با سبک دین‌ورزی زائران سنتی. اما باز هم در این میان، اشتیاق به حضور در زیارتگاه‌ها در ادبیات ذهنی و زبانی او جایگاهی عمیق و ریشه‌ای دارد. او مانند زائران سنتی به بازارهای اطراف حرم نمی‌رود تا سوغاتی بخرد. کتب ادعیه در دست ندارد؛ اما گاهی با گوشی هوشمند خود چندخطی هم دعا یا قرآن می‌خواند.

او میراث‌دار نسلی است که زیارت را همیشه یک توفیق و فیض تلقی می‌کرده و تجربه کودکی یا نوجوانی او از زیارت معمولاً یادآور خاطراتی شیرین و نوستالژیک است. او با تمامی پرسشگری‌ها و پریشانی‌هایش در چنین زیارتگاه‌هایی به دنبال آرامش و سکون از دست رفته‌اش است. تجربه این آرامش عمیق است که او را هر بار به زیارت می‌کشاند. او را مشتاق زائر بودن می‌کند و طبیعی است که این اشتیاق را به نسل بعدی هم منتقل کند. در این فضا است که تمایزات ایدئولوژیک، قومی، نژادی، اجتماعی، اقتصادی برای او رنگ می‌بازد و با دیگر زائران با زبانی مشترک همدلی را مشق می‌کند.

تفاوت‌های ایدئولوژیک در میان زائران در سبک و نوع زیارت کردنشان مشهود است. برای شفاف‌سازی دسته‌بندی انواع زائران از تحقیقات کمی نیز استفاده شده است. براساس گزارش «دبیرخانه طرح مطالعه توسعه کمی و کیفی زیارت امام رضا (علیه‌السلام)» در پارک علم و فناوری خراسان به

1. Zygmunt Bauman

2. Hall

3. Bumen

4. Pilgrimage

صورت یک پروژه پژوهشی جامع درباره زیارت مشهد مقدس، از سال ۱۳۸۹ تاکنون در حال تدوین بوده است، اهداف زائران از زیارت در طیف‌های مختلف به ترتیب زیر می‌تواند متغیر باشد. ۹۴/۱ درصد از زائران با هدف زیارت به‌عنوان هدف اصلی خود به مشهد سفر می‌کنند و هدف اولیه تنها ۵/۹ درصد از افراد به مشهد غیرزیارتی است. از جمله اهداف ثانویه افراد در کنار زیارت می‌توان به سیاحت و گردش، تجارت و کار، دیدار اقوام و دوستان و استفاده از خدمات درمانی و پزشکی (در مورد زائران از شهرها و روستاهای نزدیک به مشهد یا زائرانی از کشورهای همسایه) اشاره کرد.

به استناد همین گزارش، در کنار اهداف از «انگیزه زائران از سفر به مشهد» نیز باید یاد کنیم. هدف معمولاً به عاملی بیرونی و ملموس^۱ اشاره دارد و انگیزه به عاملی درونی و انتزاعی^۲ باز می‌گردد. در مورد انگیزه‌های مختلف زائران از آنها پرسش به عمل آمده است. استجابات دعا با ۲۳/۲ درصد، احساس نیاز به زیارت و داشتن لحظات معنوی با ۲۲/۱ درصد و شناخت و زیارت خود حضرت با ۱۹/۱ درصد، نخستین انگیزه‌های زائران برای زیارت است. انگیزه زائران برای زیارت امام رضا (علیه السلام) را می‌توان براساس تیپ‌بندی غالب زائران تقسیم‌بندی کرد. به‌طور مثال، انگیزه زائران با رویکرد عقلانی به زیارت ۴۷/۴ درصد و زائران با انگیزه عاطفی ۲۳/۳ درصد است. تنها ۲/۸ درصد از زائران با انگیزه ارزشی و سنتی به زیارت می‌روند (گزارش دبیرخانه طرح مطالعه توسعه کمی و کیفی زیارت امام رضا (علیه السلام)؛ ۱۳۹۳، ص ۷-۱۰). این اختلاف فاحش در تفاوت میان انگیزه‌های سنتی و عقلانی می‌تواند دلیلی باشد بر این امر که زیارت دیگر جنبه ارزشی و سنتی خودش را از دست داده است و این انگیزه را با اغماض تنها می‌توان به طیف محدودی از زائران نسبت داد. البته در گذشته هیچ تحقیق کمی مانند این گزارش صورت نگرفته است و امکان مقایسه آماری برای ما در حال حاضر وجود ندارد.

در خصوص تعداد دفعات تشریف به حرم و مدت زمان ماندگاری در حرم، گزارش «دبیرخانه طرح مطالعه توسعه کمی و کیفی زیارت امام رضا (علیه السلام)» حاکی از این است که ۱۹/۲ درصد از زائران یک بار در روز، ۲۹ درصد دو بار و ۵۱/۸ درصد از آنها سه بار یا بیشتر در روز به حرم مشرف می‌شوند. براساس همین گزارش، ۳۰/۱ درصد از زائران در هر بار تشریف، کمتر از یک ساعت در حرم توقف می‌کنند و ۳۸/۲ درصد از آنها بین یک تا دو ساعت و ۲۹/۲ درصد نیز بیش از دو ساعت به زیارت می‌پردازند. مضاف بر اینکه تنها ۳۴/۷ درصد از زائران هر سه نوبت نماز جماعت را در حرم حاضرند (همان، ص ۱۱-۱۳) حاصل مقایسه این آمار به این معناست که بیش از دو سوم زائران (۶۸/۳ درصد) حداکثر تا دو ساعت در حرم ماندگارند و با فرض اینکه همین تعداد زائر، دو بار در روز به زیارت بروند، این مدت در خوش‌بینانه‌ترین حالت حداکثر

1. Objective

2. Subjective

به چهار ساعت می‌رسد. به این ترتیب چنین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تقریباً نیمی از زائران (۴۸/۲ درصد) در حدود بیست ساعت از روز را به اموری غیر از زیارت می‌گذرانند. اگر نیم دیگر زائران (۵۱/۸ درصد) که سه بار یا بیشتر در روز مشرف می‌شوند را با بیشترین ساعات محتمل برای توقف در حرم فرض بگیریم هم میانگین ماندگاری آنها ۶ ساعت در روز می‌شود. که به عبارت دیگر زائران سنتی هم هجده ساعت از شبانه‌روز را به فعالیت‌های دیگر مشغولند (همان، ص ۷-۱۷).

در مقابل می‌بینیم که زائران مدرن ترجیح می‌دهند در بازه زمانی بسیار کوتاه (یعنی یک تا دو روزه) و در ایام خلوت (مانند روزهای وسط هفته یا غیرتعطیل) به زیارت بروند. زائر مدرن تلاش می‌کند در هنگام زیارت هم از سرعت زندگی مدرن کاسته نشود. در ایام تعطیلی و شلوغی، بیشتر خیابان‌های مشهد مشمول طرح ترافیک شده و یا بسته‌اند؛ احتمال تأخیر در برنامه حرکت قطارها و پرواز هواپیماها و نیز احتمال تصادفات جاده‌ای در این زمان‌ها بیشتر است و از این‌رو زائر مدرن انگیزه کمتری برای زیارت در این ایام دارد.

عنصر کلیدی در شناخت زائر مدرن از زائر سنتی، تکیه بر دین‌ورزی شخصی است. از سوی دیگر زائر مدرن تمایلی ندارد مانند زائر گردشگر برای گزینه‌های رایج و مدرن در زندگی شهری مانند خرید و گشت و گذار در بازارها و استفاده از امکانات تفریحی زمان صرف کند. زائر مدرن از یک سو به دین عرفی یا عمومی چندان راغب نیست و در پی بازتفسیر شخصی خود از دین است؛ و از سوی دیگر از لذات و مادیت جهان مدرن خسته شده و به آغوش معنویت نهفته در زیارت، ولو به مدت کوتاه، پناه می‌برد.

برای زائر مدرن، همیشه میزانی از شک در کنار زیارت وجود دارد. این شک انسان مدرن به عالم معنا میراث عصر روشنگری است و به جامعه ما هم رسیده است. با وجود اینکه ایرانی مدرن هر مقوله غیرعقلانی را به سادگی نمی‌پذیرد، اما نسبت به مقولات غیرعقلانی که با دین یا ماورا مرتبط هستند کمی محتاط‌تر عمل می‌کند و به یکباره آن را رد نمی‌کند. زائر مدرن ایرانی که عموماً از تحصیلات آکادمیک هم برخوردارست در مورد شفا گرفتن و توسل در مشکلات، همچنان ادامه‌دهنده راه زائران سنتی است و شاید تلاش می‌کند در کشاکش شک و ایمان به یک ملجأ و پناهی دست یابد. او شاید تنها شکل درخواست‌هایش تغییر کرده باشد. نیت زائران برای معجزه‌خواهی در دوره‌های مختلف متناسب با نیازهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی تغییر می‌کند. تغییر شیوه نذر و نیاز و حتی زیارت از طریق اپلیکیشن‌ها می‌تواند گواهی بر سیر تحول در شکل کنش زیارت باشد.

«در گوشه‌ای از حیاط، قسمتی ضریح مانند بود؛ که بعضی از مردم دستمال سبز و بعضی‌ها قفل زده بودند. مادرم را صدا کردم و ازش سؤال کردم که چرا مردم این کارها را می‌کنند. مامانم گفت:

زمانی که یکی از آن قفل‌ها یا دستمال‌ها باز شود، آن هم خودبه‌خود، یعنی اینکه گره کار آن کسی که قفل یا دستمال زده، وا می‌شود. خیلی تعجب کردم، مگه می‌شه، وا! چه چیزها چه حرف‌ها، آدم شاخ در می‌آره! ... ناگهان یک زن ... گفت: «مادرت راست می‌گه». ... درست سه سال پیش، تو همین ماه، تمام دکترها دختر این خانم را جواب کرده بودند ... تصمیم گرفتند به مشهد بروند. سه روز این خانم و دختر ... نشستند و در روز سوم ناباورانه این دختر شفا می‌گیرد ... با اینکه هنوز باورم نشده بود؛ ولی وقتی ازدحام مردم را دیدم سعی کردم باور کنم» (گهرسودی و ادیب، ۹۳، ص ۲۴-۲۵).

نویسنده این نامه دختری است که با سؤالاتی بسیار درباره امور ظاهراً نامعقول به حرم آمده است؛ سؤال می‌پرسد و شک می‌کند؛ می‌داند ولی نمی‌فهمد؛ ایمان دارد ولی برای سؤالاتش که از جنس دنیای معقولات است جواب قانع‌کننده‌ای نمی‌یابد. این احوال خیلی از زائرانی است که از منظری دیگر به زیارت می‌آیند. این کشمکش میان عقل و امور فراطبیعی است؛ اموری که سؤال و پاسخ هر دو در آن به خطا می‌رود و تنها حس و شهود زائر است که او را از این ورطه شک کردن‌ها بیرون می‌کشد.

زائرانی هم هستند که با نگاهی عارفانه و شخصی با امام خود مرتبط می‌شوند و لزوماً اتکایی به مفاهیم شریعت ندارند بلکه دین شخصی و میل و اراده‌ای انسانی عامل ایجاد ارتباطی با این کیفیت شده است. وقتی با آنها مواجه می‌شدم می‌دیدم که در گوشه‌ای در خلوت خودشان فرو رفته‌اند. این طیف را در صفوف شلوغ و لابه‌لای جمعیتی که با تلاش بسیار سعی دارند ضریح را لمس کنند، نمی‌بینی. وقتی با یکی از آنها صحبت کردم ادعا می‌کرد «همه نشدنی‌ها در زندگی‌ام را از امامم گرفته‌ام». این حد از دل‌بستگی و رابطه شخصی معنوی با امری متعالی در کلام و نگاه این زائران مشهودست.

زائر مدرن شور و احساس را بیشتر در سکون و خلوت شخصی خود جستجو می‌کند. شاید به نوعی فلسفه سفرهای کوتاه و انفرادی در دنیای مدرن نیز همین باشد. امروزه تعداد افرادی که به تنهایی یا در گروه‌های کوچک دوستان و خانواده به مشهد سفر می‌کنند و نیز کسانی که سفرهای یک تا دو روزه به مشهد دارند، آمار قابل توجهی را نشان می‌دهد. برخلاف گذشته که اغلب سفرهای زیارتی گروهی و از یک هفته تا چهل روز متغیر بوده است، امروزه افراد برای داشتن خلوت، بیشتر به تنهایی و یا در گروه‌های محدود به زیارت می‌روند. زائر مدرن در میان مشغله‌های عصر مدرن، شاید فقط یک روز را برای آرامش و سکون زمان داشته باشد تا ساعاتی را در حرم خلوت کند و بار دیگر بتواند به دنیای پرهیاهوی مدرن بازگردد.

۲-۳. زائر گردشگر یا زائر امروزی

پس از بررسی زائران سنتی و زائران مدرن، باید به گروهی از زائران اشاره کنیم که حد وسط این دو گروه بوده و شمار قابل توجهی را به خود اختصاص می‌دهند. زائرانی که با حالی معنوی در حرم مطهر رضوی حضور می‌یابند؛ ولی از عناصر دنیای مدرن و تفریحات شهری به دور نیستند. زائر گردشگر یا امروزی که با اندیشه و نیت زیارت و در کسوت گردشگر ظاهر می‌شود، تلفیقی از انسان سکولار، مدرن، دین‌ورز و اجتماعی شده در جهان معاصر است. این زائر طیف وسیعی از ملزومات سفر را برای خود در نظر می‌گیرد.

البته کلمن و اده^۱ تلاش کرده‌اند تا شکل‌های دیگری از زیارت را نیز به تصویر در آورند. آنها در کتاب «صورت‌بندی جدید از زیارت» با بازآفرینی قالب‌های جدید از مفهوم و کنش زیارت بر این تأکید دارند که زیارت معاصر بیشتر یک روند اجتماعی است تا دینی (کلمن و اده، ۲۰۰۴، ص ۴). امری که می‌توان در ساحت زیارت توریستی آن را بهتر فهم کرد. آنها معتقدند که از زیارت به مثابه یک جنبش یا حرکت، درک‌های متفاوتی می‌توان داشت و از این‌رو به چهار نوع حرکت اشاره می‌کنند؛ ۱. حرکت به مثابه کنش نمایشی؛ ۲. حرکت به مثابه کنش متجسم؛ ۳. حرکت به‌عنوان بخشی از یک زمینه زبانی و ۴. حرکت به مثابه استعاره (همان، ص ۱۶-۱۷). بعضی از این زائران با حداقل امکانات و هزینه به مشهد می‌آیند و از تفریحات رایگان یا کم‌هزینه در کنار زیارت بهره می‌برند. در همین طیف عده‌ای دیگر را می‌بینیم که با وسایل نقلیه مختلف؛ ولی عمدتاً گروهی یا خانوادگی به مشهد می‌آیند و افزون بر زیارت به بازدید از نقاط دیدنی، خرید در مراکز و پاساژهای لوکس، بیلاقی‌های خوش آب و هوای اطراف مشهد و بسیاری تفریحات ممکن دیگر نیز می‌پردازند. اقامت این عده در خانه‌های اقوام یا زائرسراها و هتل‌های متنوع مشهد است و برای وعده‌های غذایی مختلف به رستوران‌های مدرن و سنتی و فست‌فودهای مختلف سر می‌زنند. صفحات و بلاگ‌ها، اینستاگرام، فیس‌بوک، تلگرام و دیگر فضاها مجازی و شبکه‌های اجتماعی مملو از عکس‌ها و یادداشت‌های این افراد است که تجربیات خود را به شیوه‌هایی متنوع ثبت کرده‌اند. بعضی با خودشیفتگی انسان مدرن خودنمایی می‌کنند و بعضی دیگر با خلوصی صادقانه تجربه معنوی خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارند.

زائر گردشگر امروزی معنویت را لزوماً در ساعات طولانی نشستن و عبادت و زیارت‌نامه خواندن در حرم نمی‌بیند. او به دنبال حد وسط است و این حد وسط را در آسایش خود می‌بیند. به عبارت دیگر روش‌های افراطی یا دشوار دین‌ورزی برای زائر امروزی یا زائر گردشگر بی‌معناست. او به همه آداب زیارت اعم از غسل، اذن دخول، زیارت‌نامه و نماز زیارت، نماز مستحب و نمازهای

1. Coleman & Eade

واجب جماعت یا فرادا از این زاویه می‌نگرد که چقدر وقت می‌گیرد، چقدر زحمت دارد، چقدر با آن ارتباط برقرار می‌کند و چقدر آن را می‌فهمد. امور مقدس برای او جنبه نمادین دارند؛ اما نه به اندازه‌ای که او را به انجام آیین‌های مربوط به این نمادها وادارد. برخی کلیشه‌های ساده مانند سلام دادن به سمت گنبد یا ضریح، آب نوشیدن از سقاخانه و فاتحه خواندن برای درگذشتگان مدفون در حرم مطهر را انجام می‌دهد و از کلیشه‌های سنتی‌تر مانند زیارت قبور همه بزرگان مدفون در حرم و شرکت در نمازهای جماعت تا حدی احتراز می‌کند.

بعضی از زائران گردشگر یا امروزی بنا به دلایل مختلف نماز را در حرم فرادا می‌خوانند. گروهی دیگر اصراری بر حضور در حرم در ساعات حرم ندارند؛ ولی در صورتی که در ساعت نماز در حرم باشند ممکن است به نماز جماعت هم ملحق شوند. براساس آمارها در مورد زمان حضور زائران در حرم می‌بینیم که ۵۰/۹ درصد از زائران هنگام نماز (یک، دو یا هر سه نماز واجب) به حرم مشرف می‌شوند. در مقابل ۳۶/۱ درصد از زائران در هنگام نماز مشرف نمی‌شوند و ترجیح می‌دهند در اوقات دیگر زیارت کنند. دلیل این امر ممکن است اجتناب از شلوغی، کمبود وقت، پرداختن به فعالیت‌های تفریحی، سیاحتی یا استراحت، و یا صرفاً عدم لزوم خواندن نماز واجب در حرم مطهر باشد. به این ترتیب می‌توان گفت نیمی از زائران حتماً یکی از نمازهای واجب را در حرم ادا می‌کنند. روی دیگر سکه این است که حدود نیمی دیگر از زائران در زمان نماز یا در حرم نیستند یا در سطح شهر به امور دیگر مشغولند (گزارش دبیرخانه طرح مطالعه توسعه کمی و کیفی زیارت امام رضا (علیه السلام)، ص ۱۱-۱۲).

شمار افرادی که در انجام آداب زیارت صبور نبوده و انجام آداب برایشان دشوار است در واقع قابل توجه است. شاید زائری که در این عصر پرشتاب به زیارت می‌آید، صبر و شکیبایی زائران سنتی یا زائران سال‌های پیش را نداشته باشد که این گاهی عامل عدم اهتمام به انجام آداب زیارت می‌شود. در همین گزارش آستان قدس، آمارهایی جالب توجه درباره عدم التزام زائران به تعبیر من مدرن به خواندن اذن دخول در قالب سنتی آن و اکتفا به سلام دادن و عرض ارادت به سمت گنبد طلا با ادبیات شخصی آنها مشهود است. براساس این آمار، بیشترین عملی که در میان مناسک زیارت متداول است خواندن نماز مستحبی و نماز زیارت با ۷۴/۷ درصد از زائران و نیز خواندن زیارت‌نامه با ۷۴/۴ درصد از زائران است. انجام مناسک زیارت با سلام دادن آغاز می‌شود که ۴۰/۸ درصد زائران آن را انجام می‌دهند. پس از آن باید گفت که ۲۸/۵ درصد از زائران به تلاوت قرآن و ۲۵/۱ درصد از زائران به مناجات و توسل به امام می‌پردازند. شرکت‌کنندگان در نمازهای جماعت حرم ۲۳/۸ درصد از زائران هستند و ۲۲/۷ از زائران نیز به خواندن اذن دخول مقید هستند. بوسیدن و لمس ضریح شامل ۱۹/۷ درصد زائران می‌شود و ۱۲/۱ از آنها غسل زیارت می‌کنند.

دیگر اعمال و مناسکی که در ارتباط با حرم مطهر یا زیارت انجام می‌شود و همگی نیز زیر ۱۰ درصد از آمار را به خود اختصاص می‌دهند شامل بوسیدن و لمس درب‌های حرم، تفکر، گفتگو با دوستان، ذکر گفتن و دعا کردن برای دیگران، اهدای نذورات و شرکت کردن در برنامه‌های حرم است. کمتر از یک درصد از زائران به زیارت به نیابت از دیگران، زیارت قبور بزرگان و قدم زدن در حرم می‌پردازند (همان، ص ۲۳).

گاهی زائرانی را می‌بینیم که ظاهر پنجره‌های مشبکی که در جاهای مختلفی از حرم نصب شده‌اند برای آنها ضریح را تداعی می‌کند. این تشابه و تداعی نشان از این دارد که زائر به مدفن امام (علیه السلام) چندان توجه ندارد، بلکه هر عنصری، اعم از پنجره‌های مشبک، درب‌های بزرگ ورود و خروج و حتی دیوارهای حرم که به نحوی به او متصل یا منتسب باشد، از نظر او مقدس و شایسته احترام است. این مسئله از زمانی که رواق زیرزمینی دارالحججه راه‌اندازی شده است بسیار ملموس است.

رواق دارالحججه یکی از زیرزمین‌های باصفای حرم رضوی است که خانواده‌ها به صورت دسته‌جمعی می‌توانند در آنجا کنار هم بنشینند و تفکیک جنسیتی آنها را از هم جدا نکنند. نکته دیگر این رواق آن است که چون قبر مطهر امام رضا (علیه السلام) در عمق شش یا هشت متری زمین قرار دارد، در پشت یکی از دیوارهای این رواق نزدیک‌ترین نقطه به قبر اصلی حضرت را می‌توان تصور کرد. برای نشان دادن این نقطه از دیوار که دقیقاً در زیر ضریح مطهر قرار دارد یک لوستر بسیار بزرگ سبز رنگ در مقابل آن از سقف آویخته‌اند و یک نرده کوچک بخش خانم‌ها را از آقایان جدا می‌کند. بسیاری از زائران رو به این دیوار و زیر آن لوستر بزرگ می‌نشینند و زیارت‌نامه می‌خوانند. عده‌ای هم به آن دیوار دست می‌کشند و تجربه بوسیدن و لمس ضریح را با بوسیدن دیوار برای خود تداعی می‌کنند.

ستون‌های بزرگ رواق دارالحججه محل تجمع خانواده‌هایی است که مایلند به دیواری خنک تکیه داده و در کنار هم باشند. زوج‌های جوان بسیاری را هم می‌بینیم که در کنج خلوت با یک کتاب دعای مشترک مشغول زمزمه کردن ادعیه هستند. کودکان در فاصله میان فرش‌های بافت کارخانجات آستان قدس رضوی بر روی سنگ‌های مرمر اخراپی می‌دوند و در انتهای مسیر خود سعی می‌کنند بر روی سنگ‌ها سر بخورند. آرامش و خنده‌های کودکانه آنها در این حال و هوای معنوی مانند رنگ تثبیت‌کننده نهایی بر روی یک تابلوی نقاشی است. تنها زمانی که این جمع‌ها اندکی به هم می‌خورد لحظات نماز جماعت است که باید آقایان صف‌های جلویی و خانم‌ها صف‌های پشت سر را تشکیل دهند؛ اما بلافاصله بعد از نماز آنها که باید بروند می‌روند و بقیه به هم می‌پیوندند و در کنار هم می‌نشینند.

«آدم زیارت اما برخلاف تصورم... که ظهر خلوت می‌شود، شلوغ بود و باز نتوانستم. مردم

خیلی شلوغ می‌کنند و من اعتقاد بر این است که هل دادن زوار و دلخور کردن آنها به یک لحظه دست زدن به ضریح نمی‌ارزد. در ده، یازده متری ضریح اصلی ضریح ماندهایی را نصب کرده‌اند که زیاد هم شلوغ نیست و من به زیارت همان‌ها اکتفا کردم و در کنار پیرمردها و کسانی که نمی‌توانند به ضریح اصلی برسند، مشغول زیارت شدم» (گهرسودی و ادیب، ۱۳۹۳، ص ۹۶-۹۸).

حاصل مشاهدات و مصاحبه‌های انجام شده در حرم و گریزی بر دل‌نوشته‌های زائران گواه بر این مسئله است که در میان زائران گردشگر امروزی، اکثر افراد مایلند ارتباط قلبی با مرکز نیروی قدسی و ماورایی در حرم را با روشی شخصی پی بگیرند و خواندن زیارت‌نامه با همان کیفیت همیشگی و سنتی‌اش که در پایین و بالای سر امام (علیه‌السلام) و با تشریفات خاص انجام می‌شود، برای زائران گردشگر امروزی کمتر از گذشته اولویت دارد. این مسئله گواه بر حضور و وجود تحلیل‌های فردی نسبت به مقولات متنوع در دین‌ورزی است. سلام به امام رضا (علیه‌السلام) با زبان و لهجه محلی زائر و عدم اهتمام به خواندن اذن دخول یا انجام آداب پیش و پس از زیارت چون غسل و نماز زیارت و لمس ضریح و بوسیدن آن و امثال اینها قابل توجه است.

«باز هم برای زیارت رفتم ولی هنوز دستم به ضریح نخورده. هر بار که می‌روم، بهتر می‌فهمم که زیارت واقعی دست زدن به ضریح فلزی نیست؛ اما هنوز نمی‌توانم دل بکنم ... من می‌دانم که امام نور است و در ضریح خوابیده. او در بین ماست. صدایمان را می‌شنود و نوشته‌هایمان را می‌خواند. او در قلب ماست ... آری، امام محدود به یک اتاق کوچک ده، پانزده متری نیست ... امام، یعنی اینکه پیرو دین باشی، یعنی صلح و کنار گذاشتن کینه، یعنی اخلاق. امام یعنی برای رسیدن به ضریح، مسلمانی را هل ندهی و کسی را اذیت نکنی و یعنی اینکه در حالی که خیس عرقی و بویت دیگری را آزار می‌دهد، خودت را به میان جماعت نیندازی تا هیچ انسانی از تو آزرده نشود. من الآن در خلوت‌ترین نقطه‌ام. روبه‌روی کفش‌داری و آرام. بدون اینکه به کسی آزار برسانم یا از کسی آزار ببینم می‌نویسم. کفش‌هایم را داده‌ام و شماره گرفته‌ام و ای کاش دلم را هم به ضریح بدهم و به جایش عشق، محبت، بصیرت و منطق بگیرم. بروم زیارت‌نامه بیاورم و در همین خلوت بخوانم تا شاید اگر دستم به ضریح نخورد، دلم برود تا داخل ضریح!» (همان، ص ۱۰۲).

این دل‌نوشته کاملاً نشان‌دهنده طرز فکر انسان مدرن است. انسانی که به حقوق متقابل اجتماعی بیش از هرچیز اهمیت می‌دهد و در قالب باورهای دینی‌اش آن را بازتعریف می‌کند. برای زائر گردشگر امروزی که طرز فکری متأثر از فضای مدرنیته دارد هر آیین و آدابی نیاز به مجوزی عقلانی دارد.

در یک غروب در ایوان طلای صحن عتیق (انقلاب) با جمعی از خانم‌های میانسال آشنا شدم که به صورت گروهی به مشهد آمده بودند. آنها که بسیار سرحال و شاد بودند مدام عکس تکی و

دسته‌جمعی و سلفی می‌گرفتند. دو نفر از آنها سرگرم زیارت‌نامه خوانی بودند و اشک می‌ریختند. دیگری سر بر سجده داشت و تسبیح می‌انداخت. یکی هم با موبایل خود صحبت می‌کرد و یک بار هم گوشی را به سمت ضریح گرفت تا کسی که با او صحبت می‌کرد از راه دور به امام رضا (علیه السلام) بدهد. با یکی از آنها صحبت کردم و متوجه شدم دو شب در مشهد اقامت داشته‌اند و در این مدت هم به شاندیز رفته‌اند و هم پارک آبی! از مراکز خریدی نام بردند که رفته بودند و توصیه‌های جالبی هم درباره خرید به من گفتند. پرسیدم: «پس زیاد حرم نیامده‌اید؟» که گفتند «اتفاقاً نیمه شب گذشته آمدیم حرم و تا اذان صبح ماندیم. البته حرم هیچ وقت خلوت نیست ولی اگر مدت طولانی بمانی داد. «وقتی فرصت کم است باید از خوابت بزنی تا بتوانی به همه چیز برسی! بعداً که برگردیم تهران همگی فرصت داریم که یک روز کامل استراحت کنیم». این نوع زائران که هم زیارت را با دیدگاه شخصی خود درک می‌کنند و هم از امکانات تفریحی به صورت حداکثری استفاده می‌نمایند، همان زائران گردشگر و امروزی هستند که تعدادشان نیز هر روز در حال افزایش است.

زائران در فضای حرم و در حین زیارت، تجربیات دنیایی و معنوی خود را به هم گره می‌زنند. با این حال شاید زیارت قبور بزرگان، آشنایان و اقوام مدفون در حرم رضوی، نوشیدن از آب سقاخانه «اسماعیل طلایی» و دیگر آبخوری‌ها یا وضو گرفتن در کنار حوض صحن‌ها و گندم دادن به کبوتران حضرتی از جمله آداب زیارت نباشند؛ اما به صورت اموری عرفی و جا افتاده در فرهنگ زائران، به نوعی زیبایی دنیایی و معنوی را به هم آمیخته است.

نتیجه‌گیری

سیر مطالعه این مقاله با دسته‌بندی انواع زائران متناسب با حقیقت جاری در حرم امام رضا در راستای فهم سیر تغییر کنش زیارت از گذشته تا به حال و فهم متکثر شدن این کنش آغاز شد. چراکه زائر دیگر یک زائر نیست و در حقیقت ما به لحاظ هستی‌شناسانه با زائرانی مواجه هستیم که روز به روز متکثرتر و متنوع‌تر می‌شوند. لذا این تغییر موجب مسئله‌مند شدن کنش (زیارت) و کنشگر (زائران) به‌عنوان دو بعد اصلی منبعث از حقیقت زیارت شده است.

در دسته‌بندی زائران براساس متد انسان‌شناسانه، مشاهدات و مصاحبه‌ها و آمارهای کیفی و کمی، زیارت را در سه دسته صورت‌بندی کردیم که در دسته نخست زائر سنتی با تمامی التزامات عملی‌اش به آداب و مناسک زیارت ترسیم شده است. او با شرکت در نمازهای جماعت، ادای اذن دخول، خواندن زیارت‌نامه و انجام آداب سفارش شده در روایات وجه ممیزه‌ای جدی نسبت با زائران دیگر را داراست؛

دسته دوم زائر پسامدرن است که از حصار مدرنیته به مکانی برای آرامش و سکون پناهنده شده است. او در سابقه ذهنی اش خاطره زیارت با خانواده در کودکی اش را با خود به همراه دارد و با وجود تمامی تعارضات ممکن به زیارت می‌آید تا در آن آرام گیرد. این زائر التزامی به شرکت در نمازهای یومیه و دعا خواندن و ذکر ندارد؛

دسته سوم زائر گردشگر است که از یک سو، پا در مدرنیته پر زرق و برق با تمامی کشش‌هایی که برای انسان گرفتار مدرنیته دارد و از سوی دیگر علقه‌های معنوی و به ارث رسیده از سنت‌های فرهنگی اش با او همراه است. این زائر گاه در حرم نماز زیارت می‌خواند و گاه به زیارت ضریح می‌رود. در بوسیدن درب‌ها و ورودی‌های ضریح گاهی شک دارد، در حد امکان سعی می‌کند در نمازهای جماعت شرکت کند، لکن الزامی برای حضور هر سه نماز نمی‌بیند و در حقیقت تلفیقی از بعد مادی و معنوی را در برنامه زیارتی-تفریحی اش می‌توان مشاهده کرد. او به تفریح در شهر، بازدید از پاساژها و رستوران‌ها و بازارها مشغول است و این وجه ممیز جدی او با دیگر زائران است. البته نکته قابل بیان این است که برخی از قشرهای خاص در گونه زائران سنتی همچون علما و روحانی‌ها وجود دارند که در عمل امور خاصی را در زیارت رعایت و به دیگران نیز توصیه می‌کنند. برای نمونه منع نزدیک شدن به ضریح در مواقع ازدحام و عدم آزار رساندن به دیگران از نگاه آنان در اولویت است. این گروه همچنان در زمره زائران سنتی تلقی می‌شوند و می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که با وجود ارائه شاخص‌ها در سبک زیارت زائران مختلف گاهی برخی از ویژگی‌ها می‌تواند به گروه‌های دیگر نیز تسری یابد از این رو فهم و کاربردی کردن این شاخص‌ها در پژوهش‌های آتی می‌تواند ناظر به شاخص‌گذاری‌های خاص‌تر تحت قشر بندی جزئی‌تر از زائران انجام گیرد.

در حقیقت دسته‌بندی و طبقه‌بندی زائران این امکان را به ما می‌دهد تا متناسب با حقیقت جاری در زیارتگاه‌ها و اجتماع زائران، تحلیل درست‌تر و مناسب‌تری از جریان پیش روی دین‌ورزی در ایران برای تحقیقات آتی ارائه کنیم. این تحلیل‌ها حاکی از آن است که امروزه ادبیات غالب در کلان‌شهری چون مشهد، با مدرنیته و در پی آن عناصری مانند فناوری، شهرنشینی، توسعه، رفاه، آزادی‌های اجتماعی، فردیت‌گرایی و در نهایت اندیشه‌های اعتدال‌گرایانه آمیخته و همراه شده است. این همراهی با ورود به جهان زیست مردم تغییراتی را در سطوح مختلف زندگی آنان فراهم کرده است که در کنش زیارت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های عینی دین‌ورزی قابل مشاهده است. تفاوت‌های حاصل شده از بافت فرهنگی و اعتقادی زائران کدهای دقیقی از آنچه در آینده جامعه ایرانی تعریف خواهد شد به ما گوشزد می‌کند. می‌توان ادعا کرد که امروزه سکولاریسم (ورود دین به حوزه خصوصی افراد) به‌عنوان وجهی قابل قبول در زندگی و ادبیات انسان ایرانی معنادار شده است؛ برخلاف آنچه در گذشته مسئولان فرهنگی به هیچ عنوان برای جامعه‌ای چون ایران متصور نبودند. این حضور را در ادبیات

رایج در میان زائران پسامدرن به وضوح می‌توان دید. چراکه امروزه زائران براساس تحلیل‌های فردی خود سیاق دین‌ورزی و احتجاج در امور دینی‌شان را دنبال می‌کنند.

در گذشته مظاهر مدرنیته و شاخصه‌های عرفی‌گرایی در جامعه ایران وجود نداشتند؛ بنابراین طبیعی است که جامعه زائران گذشته را تک‌ساحتی و متعلق به یک سنخ واحد بدانیم؛ اما امروزه با پیشرفت جوامع و به تبع آن شهرهای زیارتی چون مشهد مدرنیسم را با زندگی و زیست شهری‌شان عجین می‌بینند.

زائر گردشگر نیز، ولو با تردید، نسبتی با عرفی‌شدن در خود می‌یابد. شهرهای زیارتی نیز با تنوعات و تغییرات ساختاری همراه و همساز شده‌اند به طوری که تغییر در بافت شهرهای زیارتی را به وضوح از معماری خانه‌ها، هتل‌ها، مراکز تفریحی، رستوران‌ها و پاساژهای لوکس می‌توان دید. از دیگر آثار بروز عرفی‌گرایی در جوامع تغییر در روابط فرهنگی است. روابط دختران و پسران آزادتر از گذشته شده است، نوع پوشش زنان و مردان به روز شده و طیف‌های برند پوش در این شهرها روز به روز در حال افزایش است. این درحالی است که امروزه شهر مشهد به‌عنوان شهری مذهبی با قواعد متصلب و شرع محور شناخته می‌شود، ولی تنوع در اعتقادات سیاسی با رویه‌هایی اعتدالی‌تر در میان مردم نسبت به گذشته قابل ملاحظه است.

از سوی دیگر نسبت مطالبات اجتماعی زائر گردشگر امروزی را می‌توان با عرفی‌گرایی در بستری چون زیارت چنین تبیین کرد. زمانی که زائران از اقصا نقاط ایران به زیارت می‌آیند با سلاقی و ایدیولوژی‌های وام‌گرفته شده از دنیای مدرنیته پای در جامعه‌ای کوچک و متکثر شده چون زیارت می‌گذارند. اینجاست که زائر با حقیقت آنچه که می‌زید هم‌زمان نقش زائری را با خود همراه می‌کند. گاه تداخل این دو نقش (زائر بودن-شهروند بودن) قالب، شکل، خواسته و نیازهای زائر را تغییر می‌دهد. این تغییر نهایتاً منجر به بروز مختصاتی از عرفی‌گرایی در نوع عملکرد زائر شده است که ما نیز در این مقاله درصدد بازشناسی و تعریف آن برآمدیم.

در پایان، نکته قابل توجه این است که گرچه ما سه گونه از زائران را شناسایی کردیم؛ لکن به نظر می‌رسد گونه‌های ارائه‌شده پیشنهاداتی کلی هستند که می‌توان به نحوی دقیق‌تر خرد و طبقه‌بندی شوند. به طور مثال طیف زائران سنتی را می‌توان جزئی‌تر مورد مذاقه قرار داد به نحوی که گونه زائر تکنولوژیک‌شده و تکنولوژیک‌نشده از آن استخراج شود. به نظر می‌رسد برای مطالعه‌های میدانی و انسان‌شناسانه که معطوف به سیاست‌گذاری‌هایی در حوزه زیارت است می‌توان جزئی‌تر طرح و مطالعه شوند.

منابع

۱. بلایشر، ژوزف (۱۳۸۰)، ترجمه سعید جهانگیری، تهران: پرسش.
۲. دیلتای، ویلهلم (۱۳۹۱)، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، بررسی دانش هرمنوتیک و مطالعه تاریخ، تهران: ققنوس.
۳. فروند، ژولین (۱۳۷۲)، ترجمه محمدعلی کاردان، نظریه‌های مربوط به علوم انسانی، تهران: نشر دانشگاهی.
۴. گهرسودی، علی و علی ادیب (۱۳۹۳)، اقلیم هشتم: سفرنامه‌ها و خاطرات برگزیده جشنواره رضوی در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، مشهد: زانا.
۵. گهرسودی، علی و حمدالله نوروزی (۱۳۹۳)، قلمی برای خورشید (ویژه آثار سومین جشنواره سفرنامه و خاطره‌نویسی رضوی)، مشهد: زانا.
۶. نجوای دل، چهارمین جشنواره سراسری نامه‌ای به امام‌رضا علیه السلام، (۱۳۸۸)، ساری: شلفین.
۷. نجوای دل، هفتمین جشنواره سراسری نامه‌ای به امام‌رضا علیه السلام، (۱۳۹۱)، ساری: شلفین.
۸. گزارش دبیرخانه طرح مطالعه توسعه کمی و کیفی زیارت امام‌رضا علیه السلام، (۱۳۹۳)، مدیریت پژوهش و برنامه‌ریزی معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی پارک علم و فناوری خراسان.
9. Atkinson, P (1990), *Ethnographic Imagination*, New York, Routledge.
10. Bowie, F, (2000), *Anthropology of Religion*, Oxford: Blackwell.
11. Clifford, James. "Travelling Cultures". In *Cultural Studies*. Ed. Grossberg et all. New York: Routledge, 1992. 96-116.
12. Coleman, Simon and John Eade, *Reframing Pilgrimage, Culture in Motion*, Rotledge, 2004.
13. *Cultural identity*, Edited by Stuart Hall-Poul duGay, 1996, SAGE publication, London.